



تلاش ناموفق تماشاگران مسابقه گلف، برای گرفتن توپ! عکس از آسوشیتد پرس

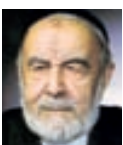
خودروی بمب گذاری‌شده در سومالی، که تقریباً چیزی از آن نمانده است، عکس از آسوشیتد پرس



صاعقه بر فراز آسمان شهر واشنگتن

در محضر بزرگان

خدا بیشتر از خودمان مار ادوست دارد



مرحوم حاج اسماعیل دولابی در توصیف‌های دربارہ صبر در مشکلات گفته‌اند: «ان‌شاء... صابر باشید، هر وقت در تنگنا قرار گرفتید، خدا کمک‌تان می کند. خدا غفور است، بزرگ است، صانع است. بیشتر از خودمان ما را دوست دارد. منتها دوست دارد که ما دعا کنیم تا خودمان بهره ببریم. می‌گوید من کار خودم را می‌کنم، شما هم مرا یاری کنید، یعنی دعا کنید. خدا که یار نمی‌خواهد. یاری یعنی ببایید هم مسلک من بشوید. غفار باشید، سّار باشید، خداوند محتاج کسی نیست. او کارهای خوب انجام می‌دهد، شما هم اگر کارهای خوب انجام بدهید، خدا را یاری داده‌اید.»

کتاب «طوبی محبت»، ص ۹۵

احکام

عارض شدن نجاست در حال نماز

محمدعلی ندایی – طهارت شرط نماز است و انسان باید با طهارت یعنی با وضو یا غسل یا تیمم، نماز را اقامه کند. علاوه بر این، باید لباس و بدن نمازگزار هم از ابتدا تا انتهای نماز طاهر و پاک باشد. حال اگر در بین نماز، لباس یا بدن نمازگزار نجس شد، وظیفه‌اش چیست؟ حضرت آیت‌... خامنه‌ای در استفتایی به این سوال چنین پاسخ داده‌اند: **سؤال:** اگر در حین نماز نجاست حاصل شود، نماز او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در اثنای نماز نجاست عارض شود، اگر برای وی ازاله (برطرف کردن) نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد، باید نجاست بدن را برطرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید و اگر برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است که نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک آن را اعاده نماید.

فتوشعر



حکایت

عقل کمتر و زور بیشتر!

پادشاهی به شکار می‌رفت. در همان هنگام، دیوانه‌ای را دید که کودکان، اطرافش را گرفته‌اند و با او تفریح می‌کنند. آن دیوانه هم به یکی سنگ می‌زد و به دیگری ناسزا می‌گفت. پادشاه فرستاد آن دیوانه را آورند. او را با خود همراه کرد و در طی مسافتی، سؤالاتی از او می‌پرسید. دیوانه هم به تمام آن سؤالات، پاسخ‌های عاقلانه می‌داد. شاه که از این قضیه بسیار تعجب کرده بود، پرسید: «این چه جهت است که با من مثل سایر مردم رفتار نمی‌کنی؟! دیوانه گفت: «قربان! جهتش این است که شما عقلت از من کمتر است و زورت از من زیادتر. می‌ترسم یک موقع غضبانک شوی و آن‌گاه فرمان کشتن من را بدهی! از این جهت ناچارم با تو مدارا کنم!» شاه از سخنان او خندید و مرخصش کرد.

«لطیفه‌های اسلامی» گردآوری مهدی مسائل

یادش بخیر



اندک صبر

تب خورشید ارغوانی

ابری آمد
بارانی بارید
چکاوکی عاشق شد
گونی رقصید
کوبری سبز
نسیمی وزید
تب خورشید ارغوانی...
آه عزیزم

این شعر زیبا را با آمدنت تمام کن!
حجت فرهنگدوست

موزه زلزله در ژاپن!



از آن، دولت این کشور موزه زلزله و بنای یادبودی برای این حادثه احداث کرد. نتیجه احداث این موزه یادبود، همان قدر که تلخ و ناراحت کننده است زیبا و خیره کننده نیز هست. این موزه درست شبیه یک گسل زمینی ساخته شده است.

شلیک به بازیکنان پوکمون گوا!



همچنین اعلام کرده است که این زن، از هیچ بیماری روانی رنج نمی برده و ظاهر ا فقط از دست کسانی که موبایل به دست، در شهر را می روند و شبانه روز بازی می کنند، خسته شده بوده! او که نتوانسته هیچکدام از تیرهایش را به هدف بزند، حالا ممکن است به ۲۰ سال حبس محکوم شود!

داستانک طنز

آقای نور انی سوخته

بعد از سه ماه دلم برای اهل و عیال تنگ شد و فکر و خیالات افتاد تو سرم. مرخصی گرفتم و روانه شهر مان شدم. اما کاش پایم قلم می‌شد و به خانه نمی‌رفتم. سوز و گداز مادر و همسرم یک طرف، پسر کوچکم که مثل کنه چسبید بهم که مرا هم به جبهه بیر، یک طرف! مانده بودم معطل که چگونه از خجالت مادر و همسرم دریابیم و از سوی دیگر پسرم را از سر باز کنم. تقصیر خودم بود. هر بار که به مرخصی می‌آمدم، آن قدر از خوبی‌ها و مهربانی‌های پچه‌ها تعریف می‌کردم که با یاد و ننهام ندیده عاشق دوستان و صفای جبهه شده بودند، چه برسد به یک پسر بچه ۱۰ ساله که کلاهش بوی قرمه‌سبزی می‌داد و در تب می‌سوخت که همراه من بایید و پدر صدام یزید کافر را دریاورد و او را روانه بغداد ویرانه‌اش کند. آخر سر آن قدر آب لب و لوجه‌اش را با ماج‌های بادکش‌مانندش به سر و صورتم چسباند و آبغوره ریخت و کولی‌بازی درآورد تا رویم کم شد و راضی شدم که برای چند روز به جبهه ببرمش. کفش و کلاه کردیم و جاده را گرفتیم آدمیم جبهه. شور و حالش یک طرف، کنجکاو ی کودکانه‌اش طرف دیگر. از زمین و آسمان و در و دیوار ازم می‌پرسید: «این تفنگ گنده اسمش چیه؟»، «بابا این تانک‌ها چرخ ندارند، زنجیر دارند؟»، «بابا این آقا‌هه چرا یک پا ندارد؟»، «بابا این آقا‌هه سلمانی نمی‌رود که این قدر ریش دارد؟»... و بدبختم کرد بس که سؤال پرسید و من مادر مرده جواب دادم.

تا این که یک روز برخوردیم به یک بنده‌خدا که در تیرگی پوست روی دست همه زده بود و به شب گفته بود تو نیا که من تخته‌گاز آمدم! قدرت خدا، فقط دندان‌های سفید داشت و دو حلقه چشم سفید! پسرم در همان عالم کودکی گفت: «بابایی! مگر شما نمی‌گفتیدد رزمندگان ما همه نورانی هستند؟» متوجه منظورش نشدم: «چرا پسرم، مگر چی شده؟» گفت: «پس چرا این آقا‌هه این قدر سیاه‌سوخته است؟» ایکی‌ثانیه فهمیدم که منظورش چیست. کم نیاوردم و به شوخی گفتم: «بابا جون، او از بس نورانی بوده، صورتش سوخته! فهمیدی؟!»

مسابقه شماره ۸۹

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم.
بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم.
شما بگین کلمات چی هستن!
پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین.
جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی ارایز می شه که پاسخ صحیح ۴مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن.
پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی!
متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!



(- ÷ ! - ×)



{ } ؟ / ؛ !



(| = ! -) * ÷

از اون لحاظ

انتخاب یا اجبار رشته؟

این روزها ماجرای هدایت تحصیلی برای دانش آموزان کلاس نهم خیلی سروصدا کرده چون خیلی هاشون میگن به جای انتخاب رشته محکوم به اجبار رشته هستن!!! برای درک بهتر ماجرا مثال می زنم، فرض کنین میرین توی مغازه و می گین رشته می خوام! طرف نگاهی به شما می کنه و میگه: رشته هم داریم داداش، رشته آش، رشته سوپ، فقط رشته زلف یار نداریم!!! بعد شما می گین: بی زحمت رشته آش بده!! اونم میگه: از بین تمام رشته ها فقط می تونی رشته سوپ یعنی همون ورمیشل رو انتخاب کنی!! شمام می گین: این که نشد انتخاب!! اونم می گه همینی که هست!!

حالا ماجرای انتخاب رشته دبیرستانی ها هم یک چیزی شده تو همین مایه ها البته نه به این غلظت!! یعنی می گن می‌تونیی انتخاب کنی اما فقط همین رشته ای که ما می‌گیم رو!! یعنی بازم طرف حق انتخاب داره اما نه بین رشته ها! بلکه بین انتخاب کردن و نکردن یا بین ادامه تحصیل و ترک تحصیل حق انتخاب داره!!

البته اینطوری نیست که علاقه و استعداد دانش آموز در این ماجرا نادیده گرفته بشه، کاملاً هم رشته ها رو براساس علاقه و استعداد دانش آموز برای انتخاب بهش تاکید موکد می کنن منتها خود دانش آموز خبر نداره که به اون رشته علاقه داره یا نه؟! به هر حال نرم افزار مربوطه بهتر می‌فهمه! اما دانش آموز که رو بات نیست تا خطای تصمیم گیری نداشته باشه!! قوش رباط صلیبی داشته باشه تازه اگه اونم پاره نشده باشه! پس به این انتخاب اجباری رشته ها اعتماد کنین!!

باس ماس



ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹۲

✳️ ایران کشوری است که چه در گذشته و چه در حال زادگاه شخصیت‌های بزرگ جهانی است که مثل بازیگران و فوتبالیست‌های مثلاً حرفه‌ای کشورمان، مدام در حال نشان دادن خود نیستند. آن‌ها گوهرهایی هستند که ما باید به اون‌ها مراجعه کنیم. مثلاً شما چه لذتی از فوتبال بی کیفیت، ورزشگاه‌های خراب، بی تماشاگر و خیلی از حاشیه‌های‌شت دیگر می‌برید که این قدر فوتبالیست‌ها را بزرگ می‌کنید و پول‌های میلیاردی را به جیب آن‌ها روانه می‌کنید؟! ✳️ لطفاً در باره تصویر «چهارزانو» در «خفن استرپ شماره ۸۸» که خوابیده توضیح دهید.

ماوشما: تصویر، شخصی رو نشون میده که به جای دو تا مفصل زانو، چهار تاداره. بنابراین میشه چهارزانو.

✳️ حواستون کجاست؟! «طلب «بریده‌ها» هم سه‌شنبه چاپ شده و هم چهارشنبه» ای‌ای از دست آق کمال که حواس شما رو هم پرت کرده!

✳️ آقا «شعر طنز» سه‌شنبه‌تون عالی بود. مرسی آقای مصطفی نجفی، تربت‌حیدریه می‌مهدی جان تولدت رو بهت تبریک می‌کم.

هسرت فرزانه نصیری ✳️ ایرانی، ایرانی بخرو ولی لباس المپیک رو بده چینیا بدوزن! ✳️ پرونده شهید‌ه‌بازی اگه خوب خوند می‌شد خیلی خوب و مفید بود. یاد می‌اد وقتی بچه بودیم همه فکر می‌کردیم دیوید کاپرفیلد نیروی جادویی و خارق‌العاده‌ای داره که می‌تونه این کارها رو انجام بده. ولی حالا با خوندن این پرونده خیلی خوب نشون دادین همه اا کار هاشون استفاده از قوانین فیزیک و استفاده هوشمندانه از غفلت تماشاچی بوده و هیچ چیز عجیب و ماورائی وجود نداره.

✳️ بهترین عذر خواهی، تغییر رفتار است. مسعودمجنون‌پور ✳️ «شعر طنز» آقای امیرحسین خوش‌حال فوق‌العاده بود.